

بررسی ارتباط سرمایه های فرهنگی خانواده ها با میزان گرایش
فرزندان آنها به کتابخوانی
(مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال در سال
۱۳۹۲)

صمد رسول زاده اقدم^۱

ماریا علیدوستی^۲

تاریخ وصول: ۹۲/۱۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۵/۲۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط سرمایه های فرهنگی خانواده ها با میزان گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی انجام گرفت. جهت بررسی موضوع تحقیق از نظریه سرمایه فرهنگی پی یر بورديو استفاده شده است. برای پاسخگویی به سؤال اصلی پژوهش، یعنی میزان گرایش دانشجویان به کتابخوانی، مطالعه ای با استفاده از ابزار پرسشنامه بر روی ۳۳۳ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال در سال ۱۳۹۲ که به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شده اند، انجام گرفته است. در این پژوهش، رابطه متغیرهای سن، جنسیت، تحصیلات، وضعیت تأهل، سرمایه فرهنگی والدین با متغیر وابسته (گرایش دانشجویان به کتابخوانی) مورد سنجش قرار گرفته است که مهم ترین نتایج آن مبین آن است که میزان گرایش دانشجویان به کتابخوانی (در بازه صفر تا پنج) ۳/۲۱ و در حد متوسط است. از میان عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به کتابخوانی، عواملی چون سرمایه فرهنگی تجسم یافته والدین، سرمایه فرهنگی عینیت یافته والدین و سرمایه فرهنگی نهادی والدین

۱- استادیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید مدنی
آذربایجان s.rasoulzadeh@azaruniv.edu

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع رسانی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان malidoosti@yahoo.com

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهل
و هفتم، زمستان ۱۳۹۴

بیشترین تأثیر را بر متغیر میزان گرایش دانشجویان
به کتابخوانی داشته اند.

واژگان کلیدی: کتابخوانی، سرمایه فرهنگی
تجسم یافته و عینیت یافته، سرمایه فرهنگی نهادی.

مقدمه و بیان مسأله

یکی از مفاهیمی که امروزه تأکید زیادی بر آن
می شود مفهوم توسعه فرهنگی است که از اوایل دهه
۱۹۸۰ به بعد، از طرف سازمان یونسکو در مباحث
توسعه مطرح شده و از مفاهیمی است که نسبت به سایر
بخش های توسعه مانند توسعه اقتصادی، اجتماعی و
سیاسی از ابعاد و بار ارزشی بیشتری برخوردار می
باشد و تأکید بیشتری بر نیازهای غیر مادی افراد
جامعه دارد. بنابراین "توسعه فرهنگی فرآیندی است
که طی آن با ایجاد تغییراتی در در حوزه های
ادراکی، شناختی، ارزشی، و گرایش انسان ها، قابلیت
ها و باورها شخصیت ویژه ای در آنها به وجود می
آورد که حاصل این باورها و قابلیت ها، رفتارها و
کنش های خاصی است که مناسب توسعه می باشد"
(ازکیا، ۱۳۸۰: ۲۰).

برای رسیدن به توسعه مسیرهای مختلفی وجود
دارد. یکی از مسیرهای اصلی توسعه فرهنگی، گسترش
فرهنگ مطالعه می باشد. امروزه بسیاری از
پژوهشگران در بررسی شاخص های توسعه، میزان
کتابخوانی را یکی از شاخص های توسعه تلقی می
کنند. چرا که مطالعه نقش برجسته ای در بالا بردن
آگاهی و دانش افراد دارد و از عناصر اصلی توسعه
در هر جامعه ای، انسان آگاه و با سواد می باشد.
در هر جامعه ای افرادی که از دانش و سواد چندانی
برخوردار نیستند، توانایی مشارکت فعال و مؤثر را
در عرصه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را
دارا نیستند. با وجود اهمیت بسیار زیاد مطالعه در

بررسی ارتباط سرمایه های فرهنگی خانواده ها با میزان
گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی
(مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد
خلخال در سال ۱۳۹۲)

توسعه فرهنگی و نقش مثبتی که می تواند در گذران
اوقات فراغت افراد داشته باشد، جامعه ما در
مقایسه با جوامع پیشرفته و حتی سایر کشورهای در
حال توسعه پایین ترین سرانه را از نظر مطالعه و
کتابخوانی داراست. "تیراژ هزار نسخه ای کتاب و
انتشار دو میلیون نسخه ای روزنامه برای جمعیت
باسواد حدود ۵۰ میلیونی، بسیار پایین و تأسف
انگیز است. اگر بخواهیم عمق مسأله را بیشتر
دریابیم کافی است آن را با یکی از همسایگان جهان
سومی خود، یعنی تاجیکستان، که خود از لحاظ مطالعه
در سطح پایینی است مقایسه کنیم؛ تیراژ متوسط کتاب
در تاجیکستان حدود ۵۰ هزار نسخه برای جمعیت ۵
میلیونی است" (اصغر نژاد، ۱۳۸۰: ۱۱).

در عادت افراد به مطالعه نقش عواملی همچون
خانواده، مدرسه، کیفیت و کمیّت کتاب های کودکان،
سیاست فرهنگی و آموزشی، توسعه اقتصادی و اجتماعی، و
کمبود کتابخانه ها را نمی توان نادیده گرفت.
خانواده به عنوان نخستین و بنیادی ترین نهاد در
پرورش اجتماعی فرزندان است و می تواند در شکل
گیری شخصیت و بنیادهای فکری یا به تعبیر بورديو
عادتواره های وی نقش مؤثری داشته باشد. فرزندان
که در خانواده های با مداراج تحصیلی و پایگاه
اقتصادی اجتماعی بالا و در خانواده ای که مصرف
کالای فرهنگی در آن به عنوان یک ارزش محسوب می
شود، رشد می یابند، عادت به مطالعه و کتابخوانی
در آنها نهادینه و به درستی جامعه پذیر می شوند.
منظور از سرمایه فرهنگی خانواده ها در این پژوهش
گرایش روانی والدین به استفاده از کالاهای
فرهنگی، میزان مصرف کالاهای فرهنگی، تحصیلات و شغل
والدین است. امروزه بسیاری از خانواده ها در
استفاده از کالاهای فرهنگی دارای گرایشهای روانی و
جهت گیری های مختلفی هستند، به طوریکه در برخی از
خانواده ها والدین برای مصرف کالاهای فرهنگی
برنامه ریزی خاصی دارند و بخشی از درآمد ماهیانه

خود را صرف خرید محصولات فرهنگی می کنند، در این نوع خانواده میل به مطالعه و کتابخوانی و مصرف فرهنگی در فرزند نهادینه می شود. فرزندی که در خانواده ای با سرمایه فرهنگی بالا پرورش می یابد که والدین روزانه بخشی از زمان خود را صرف مطالعه و کتابخوانی می کنند، از مراکز فرهنگی هنری دیدن می کنند، در مراسم و مجالس مختلف شرکت می کنند، در مورد مسائل مختلف کاری و خانوادگی بحث و تبادل نظر می کنند، ارزش ها و نگرش هایش با فردی که در خانواده ای با سرمایه فرهنگی پایین رشد می یابد متفاوت خواهد بود. با توجه به موارد ذکر شده و اهمیت این موضوع که مطالعه نقش بسزایی در ارتقای سطح فرهنگ، اقتضا و آگاهی های سیاسی و... دارد و احساس نیاز قشر عظیم دانشجویان و دانش آموزان و سایر افرادی که در این امر (مطالعه) درگیر هستند، نگارندگان را بر آن داشت تا به بررسی عوامل تأثیرگذار روی میزان مطالعه در بین دانشجویان که تعداد زیادی از افراد تأثیرگذار در رشد فرهنگ و رشد پایه های علوم مختلف در کشور را بر دوش دارند، بپردازند و سؤال اصلی که این پژوهش در صدد پاسخ بدان می باشد این است که سرمایه فرهنگی خانواده ها چقدر است و چه تأثیری بر گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی دارد؟

ادبیات تجربی تحقیق

ماسلن (۱۹۹۵) پژوهشی تحت عنوان "بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده در گرایش فرزندان به مطالعه و رسیدن به تحصیلات عالی در استرالیا" انجام داده است. روش تحقیق محقق پیمایشی و با استفاده از تکنیک مصاحبه به گردآوری اطلاعات پرداخته است. یافته های محقق نشان می دهد که دانش آموزانی که والدینشان دارای تحصیلات دانشگاهی اند و مشاغل تخصصی دارند، چهار برابر بیشتر از دانش آموزانی که والدین شان مشاغل کارگری دارند، وارد دانشگاه می شوند. همچنین دانش آموزانی که در طبقات بالاتر قرار دارند نسبت به دانش آموزان که در

بررسی ارتباط سرمایه های فرهنگی خانواده ها با میزان
گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی
(مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد
خلخال در سال ۱۳۹۲)

طبقات پایین جامعه قرار دارند، میزان مطالعه شان
با هم متفاوت است.

نتایج مطالعه اسمیت (۱۹۹۵) نشان داد نگرش
خواندن، بر رفتار خواندن، انتخاب مواد خواندنی و
همچنین بر توسعه مهارت های خواندن فرد تأثیر
میگذارد. بزرگسالانی که دیدی مثبت نسبت به خواندن
دارند، وقت بیشتری را صرف مطالعه روزانه و خواندن
مطالب متنوع می‌کنند. بهبود نگرش خواندن موجب
توسعه خواندن، عادت خواندن، بهبود درک مطلب و
مهارت های تجزیه و تحلیل واژگان در خوانندگان
می‌شود. آنان معتقدند اگر آموزش خواندن صرفاً بر
مهارت ها تأکید کند و هیچ تلاشی را در جهت ایجاد
علاقه و نگرش مثبت نسبت به خواندن صورت ندهد،
نتیجه ی آن به وجود آمدن نسلی بدون خواننده و یا
باسوادان بی‌سواد خواهد بود.

پژوهشی توسط مرکز افکارسنجی دانشجویان
ایران (ایسپا) (۱۳۸۲) در میان ۴۰۰ نفر از
دانشجویان دانشگاه های تهران انجام شد. روش تحقیق،
پیمایش و با تکنیک پرسشنامه به گردآوری اطلاعات
اقدام شد. یافته های پژوهش نشان داد که کتابخوانی
در بین تحصیل‌کردگان جامعه وضعیت قابل قبولی
ندارد. بر پایه نتایج این بررسی، ۶۲/۳٪ دانشجویان
کمتر از یک ساعت در شبانه روز مطالعه می‌کنند. در
این بین، ۱۷/۸٪ کمبود وقت، ۱۵/۵٪ حجم زیاد تکالیف
دانشگاهی و ۱۱/۴٪ دانشجویان، گرانی کتاب را از
جمله موانع مطالعه برشمرده اند.

سرمایه های فرهنگی و فضاهای فرهنگی خانواده ها
پژوهشی است که توسط منادی (۱۳۸۷) انجام شده است.
این پژوهش با رویکردی کیفی انجام شده است. به این
معنا که پژوهشگر نه قبل از شروع پژوهش نه در طول آن، هیچ
گونه پیش فرض ساختارمند شده ای را در ذهن نداشته است.
ابزار اندازه گیری این پژوهش، پرسشنامه ی محقق ساخته
بوده است. یافته های پژوهش نشانگر این است که
والدین مورد مطالعه این پژوهش کیفی دارای سرمایه های

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهل
و هفتم، زمستان ۱۳۹۴

فرهنگی متفاوتی هستند. نمود این سرمایه ها را در سطح تحصیلات، زمان و نوع مطالعه، زمان و نوع برنامه های تلویزیون و فعالیت های جانبی فرهنگی آنان می توان مشاهده کرد. تأثیر این سرمایه ها در شکل فضاهای درون خانه ها قابل مشاهده هستند. شکل فضاها در نوع دکوراسیون (مدرن یا سنتی) قابل شناسایی اند. به عبارتی، خانواده ها، دارای سبک زندگی متفاوتی از یکدیگر هستند و همچنین، بر اساس نتایج دیگر این پژوهش، اولاً، ۱۶٪ والدین، دارای سرمایه های فرهنگی بالا، ۴۱٪ متوسط و ۴۳٪ پایین بوده اند. ثانیاً، در هر دسته اکثریت آن ها، فضاهایی مطابق با سرمایه های فرهنگی خود (۸۶٪، ۸۳٪، ۹۵٪) تولید کرده اند.

نوغانی (۱۳۹۱) در پژوهشی به تأثیر نابرابری سرمایه فرهنگی بر موفقیت تحصیلی دانش آموزان پرداخته است. روش پژوهش محقق پیمایش و تکنیک گردآوری اطلاعات پرسشنامه بود. جامعه آماری این پژوهش، دانش آموزان دختر و پسر مدارس دولتی و غیر دولتی دوره پیش دانشگاهی استان خراسان بود و از بین آنها تعداد ۱۶۶۷ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب گردیده است. یافته های محقق نشان داد که در پرتو حضور سرمایه اجتماعی و سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی سهم مثبت و معناداری بر احتمال قبولی و نمره کسب شده داوطلبان دارد.

چهارچوب نظری پژوهش

در این پژوهش از نظریه های سرمایه فرهنگی و صاحب نظران این حوزه بهره گرفته شده است و در نهایت نظریه عادتواره، عملکرد بوردیو به علت جامعیت به عنوان مبنای چهارچوب نظری پژوهش حاضر قرار گرفت، لذا شرحی از این تئوری در ذیل آورده می شود.

بررسی ارتباط سرمایه های فرهنگی خانواده ها با میزان
گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی
(مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد
خلخال در سال ۱۳۹۲)

پیر بورديو براي تحليل نقش سرمايه فرهنگي در عاداتهاي افراد از مفهوم بازتوليد فرهنگي استفاده کرد. بورديو در اوایل دهه ۱۹۶۰ مفهوم سرمايه فرهنگي را جعل نمود تا نشان دهد که براي تبیین نابرابريهاي آموزشي تنها استفاده از سرمايه اقتصادي کافي نيست بلکه بيشتر از عوامل اقتصادي، عادتوارهاي فرهنگي و خصلتهاي به ارث برده شده از خانواده هستند که نقش بسيار مهمي در موفقيتهاي تحصيلي و عاداتهاي افراد به مطالعه دارند (بورديو و پسون، ۱۹۷۹: ۱۴). بورديو تأثير سرمايه فرهنگي بر مصرف، فعاليت و سبک زندگي فرهنگي افراد را با توسل به نظريه تمايز بيان ميکند. مطابق اين نظريه دارندگان سرمايه فرهنگي زياد خود را با مصرف فرهنگ و هنر متعالی از بقيه متمايز ميکنند. داشتن سرمايه فرهنگي بيشتر به معنای داشتن توان شناختي بالاتر است. بدین ترتيب سرمايه فرهنگي، از مسيري فردي ذهني و نه بر اساس راهبردي اجتماعي مبارزه جويانه سبب گرايش افراد به سبک زندگي فرهنگي خاصي ميشود (باينگانی، ۱۳۸۷: ۱۱).

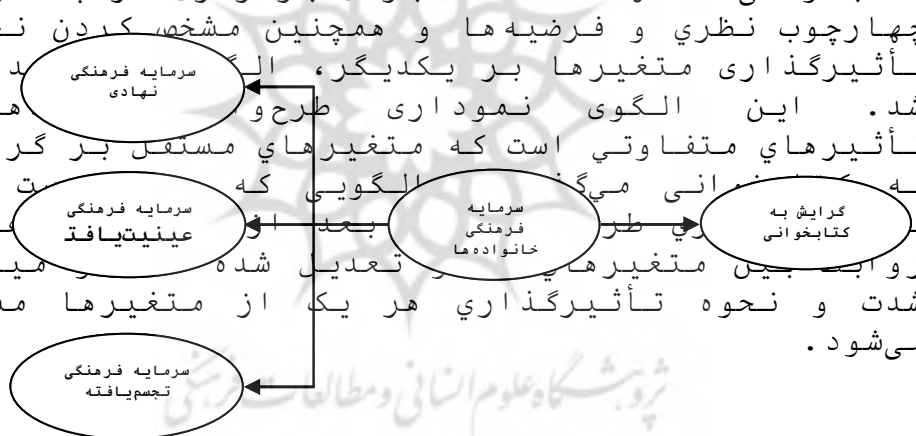
از نظر بورديو سرمايه فرهنگي ميتواند به سه شکل وجود داشته باشد: در حالت متجسد، يعني به شکل خصائل ديرپاي فکري و جسمي، در حالت عينيت يافتگي به شکل کالاهاي فرهنگي (تصاویر، کتابها، لغتنامهها، ادوات، ماشينآلات و غيره) و بالاخره، در حالت نهادينه شده، يعني شکلي از عينيت يافتگي که بايد حسابش را جدا کرد، زيرا خواص اصلي خود را يکسره به سرمايه فرهنگي، که بنا به فرض ضمانتکننده آن است، واگذار ميکند (بورديو، ۱۳۸۴: ۱۳۷).

به عقیده بورديو هر طبقه اجتماعي بر اساس ترکيبي از سه نوع سرمايه اقتصادي، فرهنگي و اجتماعي تعريف ميشود. منظور از سرمايه اقتصادي همان امکانات مالي است. سرمايه فرهنگي شامل سليقههاي خوب، شيوه و راه و رسم پسندیده و

پیچیدگی شناختی می‌باشد. سرمایه اجتماعی نیز همه منابع بالقوه‌ای است که می‌تواند در اثر عضویت در شبکه اجتماعی کنشگران یا سازمان‌ها به دست آید؛ مثل پیوندهای اجتماعی، هنجارها و اعتماد ملایم با آن‌ها (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۸-۱۲). به عقیده بوردیو، طبقه اجتماعی قریحه فرهنگی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و طبقه مسلط به لحاظ قدرت و سرمایه بیشتری که در اختیار دارد، سلطه فکری خود را بر جامعه اعمال می‌کند و در این حالت نوعی تمایز فکری و قریحه‌ای نیز در افراد طبقات مختلف به وجود می‌آید. بوردیو همچنین مفهوم عادت‌واره را برای تحلیل چگونگی شکل‌گیری نگرش‌ها و عقاید افراد مطرح می‌کند. عادت‌واره‌ها الگویی هستند برای طبقه‌بندی و تقسیم‌بندی بر اساس نگرش‌ها و سلیقه‌ها. همچنین عادت‌واره‌ها میان آن چه خوب است و آن چه بد است، آن چه ممتاز است، و آن چه معمولی است و . . . تفاوت می‌گذارد. البته این موارد نزد افراد و طبقات متفاوت یکسان نیست. مثلاً یک رفتار واحد، یا یک دارایی واحد، ممکن است در نزد کسی یا طبقه‌ای، یعنی در قالب عادت‌واره او، ممتاز باشد، برای دیگری پوچ و برای سومی معمولی باشد (بوردیو، ۱۳۸۰: ۳۷). در قالب نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو می‌توان گفت افراد نگرش‌ها و گرایش‌های خود را از منابع مختلفی می‌گیرند که یکی از این منابع سرمایه فرهنگی است. سرمایه فرهنگی افراد را از هم متمایز و سبک زندگی خاصی را بر آن‌ها تحمیل می‌کند. افراد بر حسب سرمایه فرهنگی که محصول ساختارهای ملکه ذهن شده آن‌هاست، با جهان اجتماعی برخورد می‌کنند و رفتارها و اعمال خویش را با آن منطبق می‌کنند. لذا می‌توان نتیجه گرفت که بوردیو سرمایه فرهنگی را عامل اساسی و تأثیرگذار در آگاهی، نگرش و عملکرد افراد دانسته و هرگونه تغییر در آگاهی و نگرش افراد را معلول تغییراتی در سرمایه فرهنگی آن‌ها عنوان می‌کند.
مدل تحلیلی پژوهش

بررسی ارتباط سرمایه های فرهنگی خانواده ها با میزان
 گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی
 (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد
 خلخال در سال ۱۳۹۲)

مدل تحلیلی که از دل چهارچوب نظری پژوهش بیرون می آید، وسیله ای برای تنظیم فکر و همچنین نمایش روابط بین متغیرها حول موضوع پژوهش است. با بررسی های به عمل آمده در نظریه های حوزه جامعه شناسی و علوم کتابداری و با الهام از مباحث نظری و دیدگاه های صاحب نظران این حوزه و با تلفیق نظریه های موجود، پژوهش حاضر در قالب چهارچوب نظری و با استفاده از نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو برای درک بهتر عوامل مؤثر بر گرایش به کتابخوانی بهره گرفته شده است. با توجه به نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو، تعداد پنج متغیر تأثیرگذار بر گرایش به کتابخوانی مشخص شده است. برای برقراری ارتباط بین چهارچوب نظری و فرضیه ها و همچنین مشخص کردن نحوه تأثیرگذاری متغیرها بر یکدیگر، الگوی نموداری طرح و تهیه تأثیرهای متفاوتی است که متغیرهای مستقل بر گرایش به کتابخوانی می گذارند. الگویی که با روابط بین متغیرها در تعریف شده میزان شدت و نحوه تأثیرگذاری هر یک از متغیرها مشخص می شود.



نمودار ۱. الگوی تحلیلی سرمایه فرهنگی خانواده و گرایش به کتابخوانی

روش پژوهش
 روش پژوهش در گردآوری داده ها پیمایشی-توصیفی است ولی با توجه به نوع فرضیات روش همبستگی نیز به کار گرفته می شود. در این تحقیق پس از مشخص شدن افراد نمونه، پرسشنامه ای را که از قبل جهت سنجش متغیرهای مورد مطالعه تهیه شده است، در اختیار آنها قرار داده می شود. جمعیت

آماري این تحقیق کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال می‌باشند که بر اساس آمار گرفته شده از آن واحد در سال ۱۳۹۲ تعدادشان ۲۵۰۰ نفر برآورد شده است. از این تعداد با استفاده از فرمول نمونه گیری کوکران به طور متوسط تعداد ۳۳۳ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین گردید و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه ای به انتخاب نمونه ها اقدام گردید. برای تجزیه و تحلیل آماری یافته ها از روش های آمار توصیفی و استنباطی استفاده می شود. از آمار توصیفی برای رسم جداول، توزیع فراوانی و درصد استفاده خواهد شد. از آمار استنباطی به منظور تجزیه و تحلیل داده های گردآوری شده و از آزمون همبستگی پیرسون به منظور بررسی وجود یا نبود رابطه ی معنی دار بین متغیرهای تحقیق استفاده شده است.

یافته های پژوهش
فرضیه اول

" به نظر می رسد بین سرمایه فرهنگی نهادی خانواده ها و گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی رابطه معنی داری وجود دارد."

با توجه به جدول شماره ۱ مشاهده می شود، سطح معنی داری آزمون ۰/۰۰۰ است، که این مقدار کمتر از ۰/۰۵ می باشد بنابراین فرض صفر رد شده است و با اطمینان ۹۵٪ می توان گفت ارتباط معنی داری بین دو متغیر وجود دارد. به عبارتی سرمایه فرهنگی نهادی خانواده ها بر گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی تأثیر دارد. با توجه به علامت مثبت ضریب همبستگی می توان گفت بین دو متغیر سرمایه فرهنگی نهادی خانواده ها و گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی همبستگی مثبت وجود دارد و رابطه دو متغیر مستقیم است. به عبارتی با افزایش یکی، دیگری نیز افزایش پیدا می کند، بنابراین هر چقدر سرمایه فرهنگی نهادی خانواده ها بیشتر باشد گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی بیشتر می شود و بالعکس.

بررسی ارتباط سرمایه های فرهنگی خانواده ها با میزان
 گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی
 (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد
 خلخال در سال ۱۳۹۲)

جدول شماره (۱): بررسی آزمون همبستگی پیرسون بین سرمایه فرهنگی نهادی خانواده ها و گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی

نتیجه	سطح معنی داری	ضریب همبستگی	متغیر دوم	متغیر اول
وجود ارتباط معنی دار	۰/۰۰۰	۰/۵۷۱	گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی	سرمایه فرهنگی نهادی خانواده ها

فرضیه دوم " به نظر می رسد بین سرمایه فرهنگی عینیت یافته خانواده ها و گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی رابطه معنی داری وجود دارد." با توجه به جدول شماره ۲ مشاهده می شود، سطح معنی داری آزمون ۰/۰۰۰ است، که این مقدار کمتر از ۰/۰۵ می باشد بنابراین فرض صفر رد شده است و با اطمینان ۹۵٪ می توان گفت ارتباط معنی داری بین دو متغیر وجود دارد. به عبارتی سرمایه فرهنگی عینیت یافته خانواده ها بر گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی تأثیر دارد. با توجه به علامت مثبت ضریب همبستگی می توان گفت بین دو متغیر سرمایه فرهنگی عینیت یافته خانواده ها و گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی همبستگی مثبت وجود دارد و رابطه دو متغیر مستقیم است. به عبارتی با افزایش یکی، دیگری نیز افزایش پیدا می کند، بنابراین هر چقدر سرمایه فرهنگی عینیت یافته خانواده ها بیشتر باشد گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی بیشتر می شود و بالعکس.

جدول شماره (۲): بررسی آزمون همبستگی پیرسون بین سرمایه فرهنگی عینیت یافته خانواده ها و گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی

نتیجه	سطح معنی داری	ضریب همبستگی	متغیر دوم	متغیر اول
وجود ارتباط معنی دار	۰/۰۰۰	۰/۶۸۴	گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی	سرمایه فرهنگی عینیت یافته خانواده ها

فرضیه سوم

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهل
و هفتم، زمستان ۱۳۹۴

"به نظر می رسد بین سرمایه فرهنگی تجسم یافته خانواده ها و گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی رابطه معنی داری وجود دارد."

با توجه به جدول شماره ۳ مشاهده می شود، سطح معنی داری آزمون ۰/۰۰۰ است، که این مقدار کمتر از ۰/۰۵ می باشد بنابراین فرض صفر رد شده است و با اطمینان ۹۵٪ می توان گفت ارتباط معنی داری بین دو متغیر وجود دارد. به عبارتی سرمایه فرهنگی تجسم یافته خانواده ها بر گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی تأثیر دارد. با توجه به علامت مثبت ضریب همبستگی می توان گفت بین دو متغیر سرمایه فرهنگی تجسم یافته خانواده ها و گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی همبستگی مثبت وجود دارد و رابطه دو متغیر مستقیم است. به عبارتی با افزایش یکی، دیگری نیز افزایش پیدا می کند، بنابراین هر چقدر سرمایه فرهنگی تجسم یافته خانواده ها بیشتر باشد گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی بیشتر می شود و بالعکس.

جدول شماره (۳): بررسی آزمون همبستگی پیرسون بین سرمایه فرهنگی تجسم یافته خانواده ها و گرایش فرزندان به کتابخوانی

متغیر اول	متغیر دوم	ضریب همبستگی	سطح معنی داری	نتیجه
سرمایه فرهنگی تجسم یافته خانواده ها	گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی	۰/۷۵۵	۰/۰۰۰	وجود ارتباط معنی دار

فرضیه چهارم

"به نظر می رسد بین مقیاس کلی سرمایه فرهنگی خانواده ها و گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی رابطه معنی داری وجود دارد."

با توجه به جدول شماره ۴ مشاهده می شود، سطح معنی داری آزمون ۰/۰۰۰ است، که این مقدار کمتر از ۰/۰۵ می باشد بنابراین فرض صفر رد شده است و با اطمینان ۹۵٪ می توان گفت ارتباط معنی داری بین دو متغیر وجود دارد. به عبارتی سرمایه فرهنگی خانواده ها بر گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی تأثیر دارد. با توجه به علامت مثبت ضریب همبستگی

بررسی ارتباط سرمایه های فرهنگی خانواده ها با میزان
گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی
(مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد
خلخال در سال ۱۳۹۲)

می توان گفت بین دو متغیر سرمایه فرهنگی خانواده ها و گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی همبستگی مثبت وجود دارد و رابطه دو متغیر مستقیم است. به عبارتی با افزایش یکی دیگری نیز افزایش پیدا می کند. بنابراین هر چقدر سرمایه فرهنگی خانواده ها بیشتر باشد گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی بیشتر می شود و بالعکس.

جدول شماره (۴): بررسی آزمون همبستگی پیرسون بین سرمایه فرهنگی خانواده ها و گرایش فرزندان به کتابخوانی

متغیر اول	متغیر دوم	ضریب همبستگی	سطح معنی داری	نتیجه
سرمایه فرهنگی والدین	گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی	۰/۱۲۹	۰/۰۰۰	وجود ارتباط معنی دار

فرضیه پنجم

" به نظر می رسد بین جنسیت دانشجویان و گرایش به کتابخوانی رابطه معنی داری وجود دارد "

جدول شماره (۵): آماره توصیفی میانگین گرایش به کتابخوانی به تفکیک جنسیت

متغیر	جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد	انحراف از میانگین
گرایش به کتابخوانی	دختر	۳/۳۱۵	۰/۴۸۴	۰/۰۴۷۵
	پسر	۲/۱۷۳	۰/۴۷۱	۰/۰۲۲۰

با توجه به جدول مشاهده می شود میانگین متغیر گرایش به کتابخوانی برای دانشجویان دختر برابر ۳/۳۱۵ و دانشجویان پسر برابر ۲/۱۷۳ است.

نمودار شماره (۶): بررسی آزمون میانگین گرایش به کتابخوانی به تفکیک جنسیت

متغیر	فرض آماری	آزمون برابری واریانس		آزمون برابری میانگین (Independent sample T-test)	
		آماره F	سطح معنی داری	آماره t	درجه آزادی
گرایش به کتابخوانی	فرض برابری واریانس ها	۰/۴۵۶	۰/۵	۲/۴۶۸	۳۳۱
	فرض عدم برابری واریانس ها	-	-	۱۹۹/۲۶	۳۳۱

جدول شماره ۶ به بررسی آزمون میانگین گرایش به کتابخوانی دانشجویان به تفکیک جنسیت می پردازد.

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهارم
و هفتم، زمستان ۱۳۹۴

ابتدا فرض برابری واریانس دو جامعه بررسی می شود. با توجه به این که سطح معنی داری آزمون (۰/۰۵) بیشتر از ۰/۰۵ است بنابراین فرض برابری واریانس ها رد نمی شود. در نتیجه جهت بررسی میانگین ها از سطر اول جدول (سطر برابری واریانس ها) استفاده می گردد. در آزمون t مستقل آماره آزمون و درجه آزادی به ترتیب برابر ۲/۴۶۸ و ۳۳۱ است. سطح معنی داری آزمون ۰/۰۱۴ می باشد. با توجه به اینکه سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ است فرض صفر رد شده و با اطمینان ۹۵٪ می توان گفت بین گرایش به کتابخوانی دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی داری وجود دارد. با توجه به مثبت بودن دو سر فاصله با اطمینان می توان گفت:

$$\mu_{\text{دختر}} > \mu_{\text{پسر}} \rightarrow 0 > \mu_{\text{پسر}} - \mu_{\text{دختر}}$$

در نتیجه میانگین گرایش به کتابخوانی دانشجویان دختر بیشتر از دانشجوی پسر است. بنابراین دانشجویان دختر گرایش بیشتری به مطالعه و کتابخوانی دارند.

فرضیه ششم

" به نظر می رسد بین وضعیت تأهل دانشجویان و گرایش به کتابخوانی رابطه معنی داری وجود دارد "

جدول شماره (۷): آماره توصیفی متغیر گرایش به کتابخوانی به تفکیک وضعیت تأهل

متغیر	وضعیت تأهل	میانگین	انحراف استاندارد	انحراف از میانگین
گرایش به کتابخوانی	مجرد	۳/۳۸۲	۰/۶۰۹	۰/۰۴۷
	متاهل	۳/۲۱۶	۰/۵۰۵	۰/۰۴۴
مطلقه		۲/۶۹۶	۰/۹۹۴	۰/۲۶۵

با توجه به جدول مشاهده می شود میانگین متغیر گرایش به کتابخوانی برای افراد مجرد برابر ۳/۳۸۲ است، افراد متاهل برابر ۳/۲۱۶ است و میانگین گرایش به کتابخوانی برای افراد مطلقه برابر ۲/۶۹۶ است.

بررسی ارتباط سرمایه های فرهنگی خانواده ها با میزان
گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی
(مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد
خلخال در سال ۱۳۹۲)

جدول شماره (۸): بررسی آزمون آنالیز واریانس متغیر گرایش به کتابخوانی به تفکیک رده های وضعیت تاهل

متغیر	آماره F	سطح معنی داری (sig)	نتیجه
گرایش به کتابخوانی	۱۷/۴۴۱	۰/۰۰۰	Sig < ۰.۰۰۵، بنابراین وجود اختلاف معنی دار در میانگین

با توجه به جدول فوق در آزمون آنالیز واریانس آماره آزمون برابر ۱۷/۴۴۱ است. سطح معنی داری آزمون ۰/۰۰۰ است. با توجه به اینکه سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ است فرض صفر رد شده است و با اطمینان ۹۵٪ می توان گفت بین میزان گرایش به کتابخوانی در رده های رده های مختلف وضعیت تاهل تفاوت معنی داری وجود دارد.

فرضیه هفتم
" به نظر می رسد بین سن دانشجویان و گرایش به کتابخوانی رابطه معنی داری وجود دارد "

جدول شماره (۹): آماره توصیفی متغیر گرایش به کتابخوانی به تفکیک سن

متغیر	سن	میانگین	انحراف استاندارد	انحراف از میانگین
گرایش به کتابخوانی	کمتر از ۲۵ سال	۳/۲۹	۰/۴۱۹	۰/۰۶۳
	۲۵-۳۰ سال	۳/۲۱	۰/۷۲۱	۰/۱۸۷
	بیشتر از ۳۰ سال	۳/۲۳۲	۰/۶۳۳	۰/۱۴۱

با توجه به جدول مشاهده می شود میانگین متغیر گرایش به کتابخوانی برای افراد با رده سنی کمتر از ۲۵ سال برابر ۳/۲۹ است، رده سنی برابر ۳/۲۱ است و میانگین گرایش به کتابخوانی برای افراد بیشتر از ۳۰ سال برابر ۳/۲۳۲ است.

جدول شماره (۱۰): بررسی آزمون آنالیز واریانس متغیر گرایش به کتابخوانی به تفکیک رده های سنی

متغیر	آماره F	سطح معنی داری (sig)	نتیجه
گرایش به کتابخوانی	۲/۵۲۵	۰/۰۵۸	Sig > ۰.۰۰۵ وجودنداشتن اختلاف معنی دار در میانگین

با توجه به جدول مقابل در آزمون آنالیز واریانس آماره آزمون برابر ۲/۵۲۵ است. سطح معنی داری

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهارم
و هفتم، زمستان ۱۳۹۴

آزمون $0/058$ است. با توجه به اینکه سطح معنی داری کمتر از $0/05$ نیست فرض صفر رد نشده است و با اطمینان 95% می توان گفت بین میزان گرایش به کتابخوانی در رده های مختلف سن تفاوت معنی داری وجود ندارد.

فرضیه هشتم
" به نظر می رسد بین میزان تحصیلات دانشجویان و گرایش به کتابخوانی رابطه معنی داری وجود دارد" =

جدول شماره (۱۱): آماره توصیفی متغیر گرایش به کتابخوانی به تفکیک میزان تحصیلات

متغیر	تحصیلات	میانگین	انحراف استاندارد	انحراف از میانگین
گرایش به کتابخوانی	کاردانی	۲/۷۵۲	۱/۱۲۴	۰/۰۹۱
	کارشناسی	۳/۲۴	۱/۳۵	۰/۲۱۱
کارشناسی ارشد	۳/۷۴	۰/۹۵	۰/۰۸۰	

با توجه به جدول مشاهده می شود میانگین متغیر گرایش به کتابخوانی برای افراد با رده تحصیلات کاردانی برابر $2/752$ است، کارشناسی برابر $3/24$ است و میانگین گرایش به کتابخوانی برای افراد با تحصیلات کارشناسی ارشد برابر $3/74$ است.

جدول شماره (۱۲): بررسی آزمون آنالیز واریانس متغیر گرایش به کتابخوانی به

متغیر	آماره F	سطح معنی داری (sig)	نتیجه
گرایش به کتابخوانی	۳۳/۶۰۹	۰/۰۰۰	Sig < ۰.۰۰۵، بنابراین وجود اختلاف معنی دار در میانگین

با توجه به جدول مقابل در آزمون آنالیز واریانس آماره آزمون برابر $33/609$ است. سطح معنی داری آزمون $0/000$ است. با توجه به اینکه سطح معنی داری کمتر از $0/05$ است فرض صفر رد شده است و با اطمینان 95% می توان گفت بین میزان گرایش به کتابخوانی در رده های مختلف تحصیلات تفاوت معنی داری وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

مطالعه و کتابخوانی، امروزه از شاخص های توسعه به شمار می رود. کتاب پایه مهم فرهنگ است و

بررسی ارتباط سرمایه های فرهنگی خانواده ها با میزان
گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی
(مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد
خلخال در سال ۱۳۹۲)

به تعبیر علوم اطلاع رسانی، زیربنای اطلاعاتی عمده است. این زیربنای اطلاعاتی و پایه فرهنگی نمی تواند به تکامل فرهنگی منجر شود، مگر اینکه به لحاظ کمی و کیفی رشد یابد. آمار نشان می دهد که نوعی رابطه میان توسعه یافتگی و میزان کتاب (خوانده، چاپ و ذخیره شده) وجود دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط سرمایه های فرهنگی خانواده ها با میزان گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی انجام گرفت. یافته های این پژوهش نشان داد که میزان سرمایه فرهنگی والدین ($2/45$ از 5) و میزان کتابخوانی دانشجویان ($3/21$ از 5) هر دو در حد متوسط می باشد. این نتیجه مطابق با نظریه سرمایه فرهنگی پی ر بوردو می باشد.

به عقیده بوردیو بین سرمایه فرهنگی و کنش های افراد (که یکی از آنها گرایش به کتابخوانی است) رابطه دیالکتیکی وجود دارد. عادت به مطالعه در محیط خانواده ایجاد می شود، زمانی که والدین بخشی از درآمد خانواده را صرف خرید کتاب و ابزارها و وسایل فرهنگی می کنند، با فرزندان به بحث و گفتگو می نشینند و به سبک زندگی خود و اعضای خانواده اهمیت قائل می شوند، در این محیط فرزندان آمادگی بیشتری برای ارتقای سرمایه فرهنگی خود خواهند داشت. فردی که در خانواده کتابخوان بزرگ شود، از همان کودکی، کتابخوان بار می آید؛ اما کودکی که در چنین فضایی رشد نکرده باشد، سخت تر به مطالعه علاقه مند می شود. در واقع می توان گفت خانواده بنیان شکل گیری شخصیت افراد و یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی است که می تواند استعدادها را بالقوه افراد را بالفعل سازد.

خانواده عامل بسیار مؤثری در ایجاد عادت به مطالعه و ترویج فرهنگ کتابخوانی است. محیط و شرایط خانواده، روش تربیتی و آموزشی والدین، طرز تفکر و نگرش والدین در رابطه با مطالعه و کتابخوانی، وجود کتب و نشریات قابل دسترس و

همچنین پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده، نقش بسزایی در تقویت عادات مطالعه و کتابخوانی دارد. متغیر مستقل در این پژوهش سرمایه فرهنگی والدین بود. نتایج مطالعه نشان داد که بین میزان سرمایه فرهنگی والدین و میزان گرایش به کتابخوانی دانشجویان رابطه معنی داری وجود دارد. به عبارتی سرمایه فرهنگی خانواده ها بر گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی تأثیر دارد. با توجه به علامت مثبت ضریب همبستگی $0/68$ می توان گفت بین دو متغیر سرمایه فرهنگی خانواده ها و گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی همبستگی مثبت وجود دارد و رابطه دو متغیر مستقیم است. به عبارتی با افزایش یکی، دیگری نیز افزایش پیدا می کند، بنابراین هر چقدر سرمایه فرهنگی خانواده ها بیشتر باشد گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی بیشتر می شود و بالعکس. این نتیجه با یافته های (بحرانی، ۱۳۷۹، سروستانی، ۱۳۸۷ و منادی، ۱۳۷۸) همسو می باشد. از سوی دیگر در قالب تئوری سرمایه فرهنگی بوردیو می توان گفت افراد نگرش ها و گرایش های خود را از منابع مختلفی می گیرند که یکی از این منابع سرمایه فرهنگی است. سرمایه فرهنگی افراد را از هم متمایز و سبک زندگی خاصی را بر آنها تحمیل می کند.

بر اساس نتایج آزمون های آماری، بین شاخص های سرمایه فرهنگی (عینیت یافته، تجسم یافته و نهادی) والدین و گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی رابطه معنی داری وجود دارد. سرمایه فرهنگی نهادی خانواده ها بر گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی تأثیر دارد. با توجه به علامت مثبت ضریب همبستگی $0/57$ می توان گفت بین دو متغیر سرمایه فرهنگی نهادی خانواده ها و گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی همبستگی مثبت وجود دارد و رابطه دو متغیر مستقیم است. به عبارتی با افزایش یکی، دیگری نیز افزایش پیدا می کند، بنابراین هر چقدر سرمایه فرهنگی نهادی خانواده ها بیشتر باشد گرایش

بررسی ارتباط سرمایه های فرهنگی خانواده ها با میزان
گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی
(مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد
خلخال در سال ۱۳۹۲)

فرزندان آنها به کتابخوانی بیشتر می شود و
بالعکس.

سرمایه فرهنگی عینیت یافته خانواده ها نیز
بر گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی تأثیر دارد.
با توجه به علامت مثبت ضریب همبستگی $0/68$ می توان
گفت بین دو متغیر سرمایه فرهنگی عینیت یافته
خانواده ها و گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی
همبستگی مثبت وجود دارد و رابطه دو متغیر مستقیم
است. به عبارتی با افزایش یکی، دیگری نیز افزایش
پیدا می کند، بنابراین هر چقدر سرمایه فرهنگی
عینیت یافته خانواده ها بیشتر باشد گرایش فرزندان
آنها به کتابخوانی بیشتر می شود و بالعکس.

همچنین بین سومین شاخص سرمایه فرهنگی
(سرمایه فرهنگی تجسم یافته والدین) و گرایش
فرزندان آنها به کتابخوانی رابطه معنی داری وجود
دارد. با توجه به علامت مثبت ضریب همبستگی $0/75$ می
توان گفت بین دو متغیر سرمایه فرهنگی تجسم یافته
خانواده ها و گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی
همبستگی مثبت وجود دارد و رابطه دو متغیر مستقیم
است. به عبارتی با افزایش یکی، دیگری نیز افزایش
پیدا می کند، بنابراین هر چقدر سرمایه فرهنگی
تجسم یافته خانواده ها بیشتر باشد گرایش فرزندان
آنها به کتابخوانی بیشتر می شود و بالعکس.

بر اساس نتایج آزمون های آماری، یکی از
متغیرهایی که تأثیر آن بر گرایش به کتابخوانی
دانشجویان مورد ارزیابی قرار گرفت، متغیر سن بود.
بر اساس یافته های پژوهش حاضر میانگین متغیر
گرایش به کتابخوانی برای افراد با رده سنی کمتر
از ۲۵ سال برابر $3/29$ است، رده سنی ۲۵-۳۰ سال
برابر $3/21$ است و میانگین گرایش به کتابخوانی
برای افراد بیشتر از ۳۰ سال برابر $3/232$ است.
افراد در گروه های سنی بالاتر نگرش مثبتی نسبت به
مطالعه دارند. تفاوت های نگرشی در بین گروه های

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهل
وهفتم، زمستان ۱۳۹۴

سني مختلف، ممکن است به دلیل عوامل تاریخی یا تفاوت نسل های گوناگون باشد.

متغیر مستقل دیگر در این پژوهش میزان تحصیلات دانشجویان بوده است. بر اساس نتایج به دست آمده میانگین متغیر گرایش به کتابخوانی برای افراد با رده تحصیلات کاردانی برابر ۲/۷۵۲ است، کارشناسی برابر ۳/۲۴ است و میانگین گرایش به کتابخوانی برای افراد با تحصیلات کارشناسی ارشد برابر ۳/۷۴ است.

متغیر دیگری که جهت توضیح میزان گرایش به کتابخوانی دانشجویان مورد ارزیابی قرار گرفت جنسیت بوده است. یافته های تحقیق بیانگر این است که میانگین متغیر گرایش به کتابخوانی برای دانشجویان دختر برابر ۳/۳۱۵ و دانشجویان پسر برابر ۳/۱۷۳ است. یعنی دانشجویان دختر نسبت به دانشجویان پسر گرایش بیشتری به مطالعه و کتابخوانی دارند.

نتایج نشان می دهد بین وضعیت تأهل و گرایش به کتابخوانی دانشجویان رابطه معنی داری وجود دارد. میانگین متغیر گرایش به کتابخوانی برای افراد مجرد برابر ۳/۳۸۲ است، افراد متأهل برابر ۳/۲۱۶ است و میانگین گرایش به کتابخوانی برای افراد مطلقه برابر ۲/۶۹۶ است.

با توجه به نتایج به دست آمده می توان گفت برای رفع موانع و ایجاد زمینه و بستر لازم جهت ترویج و توسعه فرهنگ مطالعه، نهادهای مختلف، شامل خانواده، مدارس و نظام آموزشی، کتابداران و کتابخانه ها، دولت و رسانه های گروهی و ناشران و کتاب فروشی ها، باید با رفع مشکلات موجود، هم سو و هم هدف، به سمت مشخصی حرکت کنند. این امر سبب می شود عادت به مطالعه و کتابخوانی در جامعه رواج یافته و توسعه فرهنگی که زمینه ساز تغییرات اجتماعی است، تحقق یابد.

منابع و مأخذ

بررسی ارتباط سرمایه های فرهنگی خانواده ها با میزان
گرایش فرزندان آنها به کتابخوانی
(مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد
خلخال در سال ۱۳۹۲)

- ۱- اخوان بهابادی، م. (۱۳۷۵). نقش دبیران و پیشرفت تحصیلی در ایجاد گرایش به مطالعه در دانش آموزان سوم متوسطه دبیرستان های شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۲- ازکیا، م. (۱۳۸۰). جامعه شناسی توسعه. تهران: نشر کلمه.
- ۳- بوردیو، پ. (۱۳۸۰). نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی. ترجمه: م، مردیها. تهران: انتشارات نقش و نگار.
- ۴- بوردیو، پ. (۱۳۸۴). شکل های سرمایه، در سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه. گردآوری کیان تاجبخش. ترجمه: ا، خاکباز. تهران: نشر شیرازه.
- ۵- مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران (ایسپا) (۱۳۸۲). تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی کشور.
- ۶- منادی، م. (۱۳۸۷). سرمایه های فرهنگی و فضاهای فرهنگی خانواده ها. فصلنامه خانواده و پژوهش. سال اول. شماره اول.
- ۷- نوغانی، م. (۱۳۹۱). تأثیر نابرابری سرمایه فرهنگی بر موفقیت تحصیلی دانش آموزان پیش دانشگاهی در دستیابی به آموزش عالی. فصلنامه تعلیم تربیت. شماره ۹۱.

۸- Maslen, J. (۱۹۹۵). Study Finds Class Division in Access to Australian Higher Education, *The Chronic of Higher Education*, Vo: ۴۲, No: ۱۴.

۹- Smith, M.C. (۱۹۹۵). A longitudinal Investigation of reading attitude development from childhood to adulthood. *Journal of Educational Research*, vol. ۸۳, No. ۴. PP. ۲۱۵-۲۱۹.